

گستره معرفتی قرآن کریم سلیمان خاکبان^۱

چکیده

نظریه پردازی در باب «پیشرفت قرآنی» یا «پیشرفت قرآن محور» یا «پیشرفت از منظر قرآن کریم» دست کم دو پیش نیاز اساسی و بنیادی دارد: نخست، باید تلقی خود را از «چیستی پیشرفت» مشخص و مدلل کنیم؛ سپس باید تکلیف خود را با «گستره معرفتی قرآن کریم» معین و موجه سازیم؛ زیرا تا وقتی «مبنا» در این دو زمینه مشخص نباشد، نمی توان در باب «پیشرفت قرآنی» نفیاً یا اثباتاً اظهار نظر کرد. اگر کسی بدون مبنا اظهار نظر کند، یا ناخودآگاه تحت تأثیر نظریه های پنج گانه توسعه غربی، از یک سو و یکی از سه نظریه «اقلی»، «اوسطی» و «اکثری» قرآنی، از سوی دیگر خواهد بود؛ یا گرفتار هرج و مرج در اظهار نظر خواهد شد؛ (نمونه این هرج و مرج را در بسیاری از مباحثی که به نام توسعه دینی در جامعه و نیز در برخی تفاسیر حتی بسیار مشهور و معتبر مطرح است، می توان مشاهده کرد). رسالت این مقاله تنها پاسخ به پرسش از «گستره معرفتی قرآن کریم» است. در مقام پاسخ به پرسش مذکور، ابتدا سه نظریه «اقلی»، «اوسطی» و «اکثری» در باب «رسالت دین» و به تبع آن، «گستره معرفتی قرآن کریم» ارائه شده است. سپس دو نظریه «اقلی» و «اوسطی» در پرتو یک دلیل عقلی متقن (با تکیه و تأکید بر نظریه سیستم ها) نقد و رد و در نهایت، حقانیت نظریه سوم (اکثری) در پرتو همان دلیل عقلی و برخی دلایل نقلی (آیات و احادیث) اثبات شده است. علاوه بر دلایل عقلی و نقلی، نظر برخی شخصیت های علمی نیز به عنوان مؤید، ذکر و در ضمن مباحث، به برخی شبهات، اشاره و پاسخ داده شده است.

کلیدواژگان: قرآن کریم، گستره معرفتی، اقلی، اوسطی، اکثری.

^۱. عضو هیئت علمی دانشگاه قم.